

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

عامل مهم بقای ملیت ایرانی و وظیفه خطیر دولتها در پاسداری از آن

به عقیده عموم مورخان و همچنین مدارک و شواهد بدون انکار تاریخی مقام ایرانیان در تاریخ دنیا نه‌با سپری شدن دوره پر عظمت هخامنشی پایان آمد و نه‌با انقراض ساسانیان به سر رسید . لیندردر (تاریخ عالم) خود این عقیده را صریح‌تر از همه بیان کرده و گوید : (ایرانیان همواره بعد از دوره‌های فشار و تضییقات قد علم کرده ذات ملی خود را نجات داده و قسمت معتنا بهی از روح خود را در فاجات خود یعنی یونانیها و اعراب و ترکها و منولها دمیده و برای خود بعد از دوره‌های خرابی و جیات مدنیت جدیدی را فراهم ساخته‌اند حتی استقلال سیاسی خود را بعد از فواصل متمادی دوباره بدست آورده‌اند . راست است پس از آنکه قومیت اصلی به درجه‌ای تغییر یافت که تقریباً شناخته نمیشد بالاخره قوه پافشاری و ایستادگی تحلیل رفت ، بسا اینحال هر قدر هم که دلیل همچو انتظاری ضعیف باشد باز شاید همچو مقدر است که ایرانیان بار دیگر ذات اصلی خود را از پرده امتزاج و زوائی که بر روی آن کپشیده شده مستخلص خواهند ساخت) کلماتی که به سلیمان خلیفه ابو یوسف نیشابوری می‌دهند گفته بالارا از هر لحاظ تأیید مینماید مطروف است که ولی یا اظهار تعجب و تأسف

عمیق چنین گفته است :

(مرا شکفت آید از ایرانیان که هزار سال سلطنت کردند (۱) وساعتی محتاج ما نشدند و حال آنکه صدسال حکومت کردیم و یک لحظه از آنها بی نیاز نشدیم) .

جشنها و اعیاد باستانی ایرانیان

جشنها و روزهای مشهور ایرانیان در دوران باستان بدین قرار بوده است هر روزی که نام آن با اسم ماه موافق بود آنرا جشنی می شمردند . و بنابراین در هر ماه یک روز را عید می گرفتند مگر دردی ماه به این ترتیب نوزدهم فروردین . سوم اردیبهشت . ششم خرداد . سیزدهم تیر ماه . هفتم مرداد . چهاردهم شهریور . شانزدهم مهر ماه . دهم آبان ماه . نهم آذر ماه . دوم بهمن ماه . پنجم اسفندارمذ و دردی ماه بر طبق معمول و به نقل بیرجندی از زیج خانی سه روز جشن بود یعنی در روزهای ۸ و ۱۵ و ۲۳ که به لفظ دی آغاز شده و در آخر نام هر روزی که در ماه جشن باشد لفظ (گان) زیاد می کردند چنانکه دیگان و ابانگان و خردادگان و آذرگان و غیره علاوه بر این در هر ماهی چهار روز را مخصوص اهورمز دادانسته آنها را اهمیت میدادند و سایر روزهای هر ماه به عقیده آنان هر کدام متعلق به فرشته ای است و آن چهار روز عبارتست از روزاول (اورمزد) و سه روز دیگر بنام (دی) یعنی روز هشتم (دییازر) و روز یازدهم (دیبمهر) و روز بیست و سوم (دیبیدین) و این سه روز دردی ماه خصوصیت زائده پیدا می کند .

و نیز در هر سال شش مرتبه جشن گاهنبار می گرفتند و مدت هر گاهی پنج روز بود که اول گاه اول : یازدهم دی ماه و اول گاه دوم : یازدهم اسفندارمذ و اول گاه سوم . بیست و ششم اردیبهشت و اول گاه چهارم : بیست و ششم خرداد و اول گاه پنجم شانزدهم شهریور ماه و اول گاه ششم : سی و یکم آبان ماه که اول خمرسه مستر قه باشد و جشنهای شش گاه را نامهای مخصوصی است که

۱ - اعراب عدد هزار را بالاترین رقم دانسته و در حقیقت بجای عدد وسیع و بی نهایت استفاده می کرده اند .

در مروج الذهب مسعودی و فرهنگ انجمن آرای ناصری ذکر شده است .

اعیاد ایرانیان بشرح زیر بوده است :

۱ - نوروز جمشیدی یا نوروز کوچک یا عامه که روزاول فروردینماه است و وضع این روز را به جمشید نسبت داده اند، چنانکه فردوسی بزرگترین شاعر حماسه سرای ملی ایران از جمله کارهای بزرگ جمشید ایجاد این عید بزرگ را نام میبرد .

جهان انجمن شد بر تخت او فرو ماند از فرۀ بخت او
به جمشید بر گوهر افشانند مر آن روز را روز نو خوانند

۲ - نوروز بزرگ یا نوروز مخصوص و آن روز ششم فروردین ماه است. شارح بیست باب بزرگدی مینویسد : (اکابر از نوروزاول تا نوروزدوم حاجتهای مردم را بر آوردندی و در روز نوروزدوم زندانیان را با اطلاق فرمان دادندی و مجرمان را عفو کردندی و بعد از آن به عیش و طرب مشغول شدند) عید نوروز در عهد پادشاهان کیان بنام (بهار جشن) معروف بوده و رسوم و آداب مخصوصی داشته است و ما اگر بخوایم کلیه رسوم و آداب قدیم ایران را از قبیل آتش بازی و آب پاشی که به نقل طبری به ویژه در نوروز سال ۲۸۴ هجری نمایش باشکوهی داشته و سبزه کردن حبوبات پیش از عید و نگاه داشتن تا روز سیزده عید و رسم هفت سین (سبزی سبزه، سیب، سرکه، سنجد، سماق، سیر، یاغیر آنها) و هفت میم (میوه، مرغ، ماهی، ماست، میگو، می و مویز) و خوانچه های شیرینی و حبوبات و هفت شاخه گره دار از درختهای زیتون و بید و نار و به نوشتن کلمات .

(اپزود . اپزاید . اپزونی . پروازه . فرخی، فرهی) را بزبانه شاخهها برای شگون سال نو . و رسوم تحف و هدایا و آوردن روباه و هدهد و جوجه و خر و کره اسب در صباح نوروز به حضور پادشاهان قدیم ایران و آداب دیگر که معمول بوده است و خصوصیات تاریخی آنها را در اینجا شرح ندیم ممکن نمیشود . (۱)

۱ - تاریخ ادبیات ایران تألیف استاد جلال الدین همایونی صفحه ۳۷۵

۳ - مهرگان عامه . که روز شانزدهم مهر ماه بود .
 ۴ - مهرگان خاصه . و آن روز بیست و یکم مهر ماه است (جشن مهرگان)
 ۵ - بهمنجنه . روز دوم بهمن ماه است و بنا بر نوشته بعضی در این روز مخصوصاً شیر یا اسپند می خورده و یا یکدیگر را به غذاهائی که حبوبات داشته باشد میهمانی میکردند . (۱)

۶ - سده . شب دهم بهمن ماه میباشد و این جشن از جشنهای تماشائی و پراهمیت ایرانیان بوده است و ایجاد آنرا به هوشنگ نسبت میدهند و راجع به وضع آن داستانها نقل میکنند فردوسی در مورد جشن سده چنین گفته است :
 شب آمد بر افروخت آتش بکوه همان شاه و در گردشاه آن گروه
 یکی جشن کرد آن شب و باد خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد
 ز هوشنگ ماند این سده یادگار بسی باد چون او دگر شهریار
 جشن سده از جشنهای پراهمیت ایرانی است که بعد از اسلام نیز تا زمان غزنویان و سلجوقیان معمول بوده است و شاعران هر دوره به پارسی و عربی در خصوص این جشن اشعاری سروده اند ، وجه تسمیه این جشن به (سده) به عقیده جمعی این است که وقت آن پنجاه روز و پنجاه شب به نوروز مانده است ، ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه می نویسد که ایرانیان روز پنجم آبان را (بر سده) و روز دهم آنرا (سده می گویند) استاد منوچهری دامغانی شاعر بزرگ ایرانی در مورد جشن سده چنین گفته است :

اینک بیامده است به پنجاه روز پیش جشن سده طلایه نوز نوبهار

جشن سده امیرارسم کبار باشد آئین کیومرث و اسفندیار باشد
 عنصری در مقدمه مدیحه امیر نصر برادر سلطان محمود غزنوی چنین گفته است :

زافریدون و ازجم یادگار است
 کزو نور تجلی آشکار است
 چرا امشب جهان چون لاله زار است

سده جشن ملوک نامدار است
 زمین امشب تو گوئی کوه طور است
 گر از فصل زمستان است بهمن

اختراع جشن سده را بعضی به کیومرث نسبت داده‌اند و گویند چون فرزندان او به صدرسیدند جشن گرفت و برخی به هوشنگ نسبت داده‌اند به مناسبت موقعی که نامبرده بی‌به وجود آتش برد و برخی آتشبازی این شب را به فیروزی فریدون و گرفتاری بیوراسب داده‌اند.

۷ - جشن فروردگان . مبداء این جشن ده روزمانده به اول فروردین ماه می‌باشد و در مدت این ده روز زیارت دخمه‌ها می‌کردند و برای ارواح مردگان نیاز می‌فرستادند و مؤبدان و برهمنان برای گذشتگان زند می‌خواندند و این لفظ از (فرور) مأخوذ است که به ضبط بعضی به معنی روح مجرد باشد و عقیده پارسیان مطابق صریح اوستا چنین بوده است که در اوان بهار (فرورها) به زمین فرود می‌آیند و مدت ده روز در همه جا سیر می‌کنند و این عید در حقیقت عید اموات پارسیان بوده است .

۸ - آب ریزان . که در روز سیزدهم تیرماه است .

۹ - بادبره . بیست و دوم بهمن ماه باشد .

این دو جشن اخیر در ردیف سایر جشنها آن اندازه مهم نبوده بلکه از عیدهای کوچک شمرده می‌شده است (۱) :

نوروز باستانی

و اما درباره نوروز که بزرگترین جشن ملی ایرانیان به شمار می‌رود این جشن طبیعی و حساب شده ملی در نخستین روز از نخستین ماه فروردین هر سال شمسی آنگاه که روز و شب برابر گردد بر گزار می‌شود .

آریایان در اعصار باستانی دو فصل گرما و سرما داشتند (طبقه بندی سال به چهار فصل بعدها پیدا شد) (۲) فصل سرما شامل ده ماه فصل گرما دو ماه بود . چنانکه در روند یاد فر کرد اول بند ۳ و ۲ آمده است ولی بعدها در دو فصل مزبور تغییر پی پدید آمد چه تابستان دارای ۷ ماه و زمستان پنج ماه گردید .

۱ - تاریخ ادبیات ایران . تألیف استاد جلال‌الدین همائی . صفحه ۳۷۹

۲ - گاه شماری تقی زاده صفحه ۴۶ - ۴۴

چنانکه این امر نیز در شرح بندهای مزبور از روند پدیدار مسطور است آری ایبان در هر يك از این دو فصل جشنی بر پا میداشتند که هر دو آغاز سال نوبه شمار میرفت، نخست جشنی که به هنگام آغاز فصل گرما یعنی وقتی که گله‌ها را از آغل‌ها به چمنهای سبز و خرم میکشاندند و از دیدن چهره دلارای خورشید شاد و خرم میشدند و دیگر در آغاز فصل سرما که گله‌ها را به آغل کشانیده توشه ایام سرما را تهیه می‌دیدند.

نوروز در ایران پیش از اسلام

از آنچه گفته شد آشکار گردید که نوروز از مراسم بسیار کهن ایرانیان آریایی است اگرچه در اوستا از نوروز نامی نیست ولی برخی از کتاب‌های دینی پهلوی از نوروز و مراسم ایرانیان باستان یاد کرده‌اند - در بند - هشن بزرگ و نیز در صدر بند هشن آمده زرتشت سه بار با (هوو) Hvov (یا هوگوی) Hvogvi (نام زن زرتشت دختر فرشوشترواو برادر جاماسب و او زیرکی گشتاسب بود) نزدیک شد و هر بار نطفه‌ای از او بر زمین افتاد و این سه نطفه تحت مراقبت این دانا نایبه Anahita (ناهید) در دریاچه کسوه kasava آنرا با (زره) (هامون) تطبیق کرده اند نهاده شده، در آنجا کوهی است بنام کوه خدا که جایگاه گروهی از پارسایان است، هر سال در نوروز و مهرگان این مردم دختران خود را برای آب تنی در دریاچه مزبور میفرستند زیرا زرتشت بدانسان گفته است که از دختران ایشان او شیرد و او شیرد ماه و سوشیان (موجودان سه گانه مزدیسنا) به وجود خواهند آمد.

بطور کلی از مراسم نوروز در دربار شاهنشاهان هخامنشی و اشکانی اطلاعات دقیقی در دست نیست و بعکس از عصر ساسانی اطلاعات گرانبها موجود است که نقل آنها از حوصله این حوصله این مقاله خارج است (۱)
(بقیه در شماره بعد)

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود بفرهنگ فارسی تألیف استاد دکتر